

**آسیب دو قطبی‌سازی‌های کاذب**

روزنامه جام‌جم در شماره د بیروز خود نوشت: تلاش‌هایی از سوی برخی طرفداران و حامیان نامزدها برای کسب

آرای خاکستری و ترغیب افراد مردد برای مشارکت در انتخابات صورت می‌گیرد تا با دو قطبی‌سازی باعث پیروزی نامزد نظر خود شوند، این در حالی است که چنین رویکردی نه فقط ممکن است باعث دزدگی این قشر از جامعه شود، حتی محتمل است به واسطه سیاه‌نمایی‌های صورت گرفته، کلیت انتخابات هم مورد آسیب قرار گیرد، بنابراین این جریان‌ها باید توجه داشته باشند که جامعه ایران در سال‌های پس از انقلاب در زمینه‌های مختلف رشدیابالندی داشته است. نویسنده اضافه کرده است: اینک که انتخابات در حال برگزاری است، باید به این موضوع توجه کنیم که برای جلب آرا اگرچه باید نواقض مطرح و اهداف تبیین شود و توانمندی‌ها و قابلیت‌های نامزدها در معرض دید قرار گیرد، اما از این رهگذر باید موضوع انسجام ملی، وحدت و همدلی ملت و یکپارچگی را بیش از پیش محقق کنیم، از این رو نامزدها یا طرفداران آنها که برخلاف این روند حرکت کنند، عملاً همسو با قانون اساسی نیستند. اکنون موقع جدال، نزاع، کشمکش، دو قطبی‌سازی‌های کاذب و مخرب و همچنین سیاه‌نمایی با جلب و جذب آرا به هر قیمتی نیست، چون کسانی که چنین رویکردی دارند، حتماً در زمینه افزایش خصومت تلاش می‌کنند و این رفتار زمینه‌ساز برای کدورت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر در آینده فراهم می‌کند. اکنون فرصتی است برای آنکه افراد مدیر، توانمند و با قابلیت به گونه‌ای رفتار کنند تا جامعه بتوانند از بین این دو نامزد، توانمندترین آنها را در خدمت و هدایت جامعه به سوی کارآمدی‌های افزون‌تر شناسایی کنند.

## ماجرای بیج و مهره

روزنامه کیهان در شماره د بیروز خود نوشت: ۲۳تیر۱۳۹۴ وقتی توافق هسته‌ای ایران با اتحادیه اروپا و کشورهای موسوم به ۵+۱ تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) به امضا رسید، قرار بود بیج تحریم‌های امریکا در ازای تعلیق و حتی توقف بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، شُل شود. قرار بود ایران با تعطیلی تارتباط بانکی با دیگر کشورها نبود. نویسنده اضافه کرده است: ۲۹خرداد۱۴۰۳ محمدجواد ظریف در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم به عنوان مشاور آقای پزشکیان در برنامه میزگرد سیاسی شبکه سوم سیما علت فروش قابل قبول نفت ایران پس از برجام را به سیاست دولت امریکا و تسامح در اجرای تحریم توسط آنها نسبت داد. اگر چه این ادعا به استناد مقامات رسمی امریکا از جمله وزیر خارجه این کشور و نماینده وقت امریکا در امور ایران کاملاً دور از واقعیت است، ولی اجازه دهید ما در اینکه «بیج امریکا شُل شد است» با آقای ظریف هم‌نظر باشیم یا این تفاوت که معتقدیم بیج امریکا با کنار رفتن مهره‌های غرب‌گرای دولت موسوم به اعتدال شُل شد. آن‌ها خواسته یا ناخواسته نقشی مکمل برای تحریم‌های امریکا علیه مردم ایران داشتند. چنانچه این مهره‌ها در انتخابات ۱۵ تیر۱۴۰۳ یک بار دیگر به سر کار بیایند، باید بار دیگر منتظر محکم‌شدن بیج امریکا و اعمال فشار اقتصادی بر مردم ایران باشیم، اما اگر راه شهید رئیسی در ۱۵ تیر ادامه پیدا کند، می‌توان به استمرار روند رو به بهبود اوضاع کشور همچنان امیدوار ماند، چون دولت رئیسی مهره امریکا نبود.

## کیهان

روزنامه کیهان در شماره د بیروز خود نوشت: ۲۳تیر۱۳۹۴ وقتی توافق هسته‌ای ایران با اتحادیه اروپا و کشورهای موسوم به ۵+۱ تحت عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) به امضا رسید، قرار بود بیج تحریم‌های امریکا در ازای تعلیق و حتی توقف بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، شُل شود. قرار بود ایران با تعطیلی ارتباطات بانکی با دیگر کشورها نبود. نویسنده اضافه کرده است: ۲۹خرداد۱۴۰۳ محمدجواد ظریف در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم به عنوان مشاور آقای پزشکیان در برنامه میزگرد سیاسی شبکه سوم سیما علت فروش قابل قبول نفت ایران پس از برجام را به سیاست دولت امریکا و تسامح در اجرای تحریم توسط آنها نسبت داد. اگر چه این ادعا به استناد مقامات رسمی امریکا از جمله وزیر خارجه این کشور و نماینده وقت امریکا در امور ایران کاملاً دور از واقعیت است، ولی اجازه دهید ما در اینکه «بیج امریکا شُل شد است» با آقای ظریف هم‌نظر باشیم یا این تفاوت که معتقدیم بیج امریکا با کنار رفتن مهره‌های غرب‌گرای دولت موسوم به اعتدال شُل شد. آن‌ها خواسته یا ناخواسته نقشی مکمل برای تحریم‌های امریکا علیه مردم ایران داشتند. چنانچه این مهره‌ها در انتخابات ۱۵ تیر۱۴۰۳ یک بار دیگر به سر کار بیایند، باید بار دیگر منتظر محکم‌شدن بیج امریکا و اعمال فشار اقتصادی بر مردم ایران باشیم، اما اگر راه شهید رئیسی در ۱۵ تیر ادامه پیدا کند، می‌توان به استمرار روند رو به بهبود اوضاع کشور همچنان امیدوار ماند، چون دولت رئیسی مهره امریکا نبود.

روزنامه وطن‌امروز به انتخابات ریاست جمهوری پرداخت و نوشت: انداختن نگاه‌ی به آرای آقایان جلیلی و پزشکیان در سراسر کشور مؤید چند نکته است. بر اساس آمار آنچه بیشترین وزن را در سبد آرای مسعود پزشکیان داشته، مؤلفه قومیت بوده است. تهران، البرز و خراسان شمالی تنها استان‌هایی بوده‌اند که بدون وجود مؤلفه قومیت و زبان، رأی پزشکیان از جلیلی بیشتر بوده است. این مسئله از دو جهت واجد اهمیت است، نخست آنکه نشان می‌دهد سنتخ رأی کسب شده توسط پزشکیان بیش از آنکه جناحی و همسو با اصلاح‌طلبان باشد، برآمده از ظرفیت‌های قومیتی بوده است و برغم وزن بالای آرای پزشکیان، رأی وی را نمی‌توان چندان ناشی از جمعیت یافتن اصلاح‌طلبان دانست. در سوی دیگر اما سعید جلیلی جز استان‌های تهران و البرز، در تمام استان‌های مرکز ایران رأی متمرکز آرا از خود کرد و در استان‌های اصفهان، قم، سمنان، مرکز آری و یزد حتی بیش از ۵۰ درصد آرا را در سبد خود جای داد. این مسئله از آنجا واجد اهمیت است که استانی مانند یزد که همواره پایگاه رأی سنتی و ثابت اصلاح‌طلبان بوده، کمترین استقبال از پزشکیان نکرده است و این معنای جز آن ندارد که در فقدان مؤلفه قومیت، کاندیدای اصلاح‌طلب وزن و عیار چندان‌ی نداشته است. از سوی دیگر اصلاح‌طلبان تلاش زیادی دارند تا با واردیکال کردن ادبیات انتخاباتی که شوگرد آشنای حسن روحانی برای فرار از پاسخگویی بود، بخشی از طبقه بدنه سابق خود را پای صندوق‌های رأی بکشانند. درگیر شدن به این نزاع کلامی علاوه بر اتلاف وقت بدنه حامی سعید جلیلی، فضای رقابت را به سمت مطلوب اردوگاه رقیب خواهد برد، از همین رو فعالیت میدانی و گسترده کردن دایره ارتباطات مردمی برای همراه کردن مرددان و هدایت دانشجوی سید رأی محمدباقر قالیباف به سمت سعید جلیلی، بیشترین تأثیر را بر سرنوشت نهایی این انتخابات خواهد گذاشت.

## فرصت اندک برای حل معادله چندمجهولی ۱۵ تیر

روزنامه صالحی، استاد دانشگاه در ادامه جلسه گفت: من می‌خواهم از نگاه مدیر و مدیر حداد عادل سخن بگویم. امروز حداد عادل وقت را در خوبی مدیریت می‌کند. او حتی در خودرو کتاب می‌خواند و یادداشت می‌کند. وی افزود: انتشارات فرهنگستان ادب در زمان مدیریت او بسیار لوچ گرفته است. تاکنون ۱۸ جلد مجموعه لغات علمی رشته‌ها در فرهنگستان مکتوب شده که به کلیات علوم می‌پردازد. صالحی مطرح کرد: این واژه‌ها از سنوی شورای تخصصی هر علمی در فرهنگستان ادب بررسی می‌شود و واژه‌های علمی تولیدشده در فرهنگستان ادب با نظارت گروه‌های علمی دانشگاهی است. در این مراسم دکتر غلامعلی حدادعادل در سخنانی به رابطه ایران، اسلام و تمدن غربی پرداخت. متن سخنرانی دکتر حدادعادل در این مراسم به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
در این مجلس محترم که با وجود استنادان ارجمند و دوستان گرامی من زیب و زینت یافته است، به نظر شکر خدای بزرگ و تشکر از همه حاضران گر انقدر چه می‌توانم بگویم و چه باید بگویم؟ در مقام شکر پروردگار از «جامی» بدم می‌گیرم و می‌گویم:

ای فروزنده این چرخ بلند وی نوزده دل‌های نژند
کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزتی که نگردی با من
در دولت به رخ بگشادی
حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عطایت سفتن
و اما بعد

بر من واجب است از استادان عزیز و دوستان گرامی که با حضور خود مرا سرفراز کرده‌اند سپاسگزاری کنم و به ویژه از همه آنان که با سخنرانی یا شعرخوانی خود مرا مهرون الطاف خود ساخته‌اند و آنان که با مقالات و مطالب سودمند خود در کتاب «زندگی‌نامه» من بر بنده منت نهاده‌اند و از جناب آقای دکتر اسماعیلی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاران ارجمندشان و نیز از جناب آقای دکتر صحرایی، وزیر محترم آموزش و پرورش و ملی بر ثبات و قدرت و ارجمند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که این مجلس به همت ایشان بنا شده و مسئولان محترم تالار وحدت که میزبان این جمع‌اند، تشکر کنم.
جا دارد در این محضر شریف به روان پاک پدرم که سرشتی فرهنگی داشت و به‌ادی و جوانمردی مشهور بود، درود بفرستم و از مادر عزیزم که در این مجلس حضور دارد و از کودکی تا امروز دست مرا گرفته، به سبب همه جدّ و جدّه‌های من و چهدی که در تربیت دینی و اخلاقی و علمی من داشته، سپاسگزاری کنم. باید از همسر دانشمند و ارجمندم، خانم دکتر طیبیه ماهرزاده که ۵۲سال است شریک زندگی من است و از فرزندان و

مراسم نکوداشت حدادعادل، استاد فلسفه، ادیب و سیاستمدار ایرانی عصر دوشنبه ۱۱ تیرماه ۱۴۰۳ در تالار وحدت برگزار شد. در این مراسم حجج‌السلام مجتبی و سعیدمیثم خامنه‌ای نیز حضور داشتند.

**وزیر فرهنگ: حدادعادل حوزه علوم انسانی را احیا کرد**
مراسم بزرگداشت حدادعادل، محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی عنوان کرد: در دولت سیزدهم یکی از کارهایی که در حوزه فرهنگ انجام شد، احیای شأن استادها و بزرگان فرهنگ است. وزیر فرهنگ ادامه داد: در حوزه کار فرهنگی از ابتدای انقلاب اسلامی، بسیاری از کتاب‌هایی که دانش آموزان دهه ۶۰ خوانده‌اند یا زیر نظر حدادعادل با از سوی خود او نوشته شده بود. محمدمهدی اسماعیلی تصریح کرد: خدمتی که دکتر حداد به رشته علوم انسانی کرد، جای قدردانی ویژه دارد. پس از وزیر ارشاد محمود شالویی در سخنانی ضمن خوشامدگویی به میهمانان بیان کرد: دکتر حدادعادل چهره شناخته‌شده‌ای است اما از جهت وسعت علوم و نوع نگاه و اندیشه در جامعه شناخته نشده است. ایشان برای موضوعات مختلف به انجمن مفاخر مشاوره می‌دهند. وی افزود: حدادعادل نسبت به هنر و جامعه هنری نیز در این سال‌ها حساسیت داشته است و توجه او ستودنی است. ما در انجمن مفاخر وظیفه داریم در درجه اول نکوداشت مفاخر زنده را در کنار نکوداشت بزرگان فقید برگزار کنیم.

**سفیر هند: حدادعادل در هند هم پادشاست زبان فارسی را دنبال می‌کند**
رودرا گائوارو شریست، سفیر هند هم در سخنانی تصریح کرد: ایران‌زمین در هر دوره‌ای معدن انسان‌های جواهر صفت بوده است. در عصر حاضر نیزساز ایران از مفاخر برجسته‌ای بر خوردار است و استاد هم در میان سیاستمداران و هم در میان اهالی فرهنگ هند، بسیار محبوب هستند. من این فرصت را امتنتم می‌شمارم که از طرف خود و تمام هندیان از ایشان تشکر کنم. سفیر هند گفت: دکتر حدادعادل نه فقط در ایران به پادشاست زبان فارسی می‌پردازد بلکه در هند هم پادشاست زبان فارسی را با جدیت دنبال می‌کند.

**سفیر تاجیکستان: حدادعادل مبلغ دوستی و مودت بین تاجیکستان و ایران است**
نظام‌الدین زاهدی، سفیر تاجیکستان در ادامه این برنامه مطرح کرد: شرکت در این جلسه باعث افتخار است، چون امروز مراسم نکوداشت یک شخصیت برجسته در پاسداری زبان فارسی در منطقه است.

وی افزود: به عنوان نماینده سیاسی کشور تاجیکستان باید بگویم، این استاد مبلغ دوستی و مودت بین تاجیکستان و ایران است. سندنرو دیپلماتیک بین ایران و تاجیکستان ۳۳سال پیش به دستان حدادعادل تاپب شده بود. حدادعادل وصل‌کننده فرهنگ ملت‌های فارسی است.

**انتشارات فرهنگستان ادب در زمان حدادعادل بسیار اوج گرفته است**
علی اشرف صالحی، استاد دانشگاه در ادامه جلسه گفت: من می‌خواهم از نگاه مدیر و مدیر حدادعادل سخن بگویم. امروز حدادعادل وقت را در خوبی مدیریت می‌کند. او حتی در خودرو کتاب می‌خواند و یادداشت می‌کند. وی افزود: انتشارات فرهنگستان ادب در زمان مدیریت او بسیار لوچ گرفته است. تاکنون ۱۸ جلد مجموعه لغات علمی رشته‌ها در فرهنگستان مکتوب شده که به کلیات علوم می‌پردازد. صالحی مطرح کرد: این واژه‌ها از سنوی شورای تخصصی هر علمی در فرهنگستان ادب بررسی می‌شود و واژه‌های علمی تولیدشده در فرهنگستان ادب با نظارت گروه‌های علمی دانشگاهی است. در این مراسم دکتر غلامعلی حدادعادل در سخنانی به رابطه ایران، اسلام و تمدن غربی پرداخت. متن سخنرانی دکتر حدادعادل در این مراسم به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
در این مجلس محترم که با وجود استنادان ارجمند و دوستان گرامی من زیب و زینت یافته است، به نظر شکر خدای بزرگ و تشکر از همه حاضران گر انقدر چه می‌توانم بگویم و چه باید بگویم؟ در مقام شکر پروردگار از «جامی» بدم می‌گیرم و می‌گویم:

ای فروزنده این چرخ بلند وی نوزده دل‌های نژند
کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزتی که نگردی با من
در دولت به رخ بگشادی
حد من نیست ثنایت گفتن گوهر شکر عطایت سفتن
و اما بعد

بر من واجب است از استادان عزیز و دوستان گرامی که با حضور خود مرا سرفراز کرده‌اند سپاسگزاری کنم و به ویژه از همه آنان که با سخنرانی یا شعرخوانی خود مرا مهرون الطاف خود ساخته‌اند و آنان که با مقالات و مطالب سودمند خود در کتاب «زندگی‌نامه» من بر بنده منت نهاده‌اند و از جناب آقای دکتر اسماعیلی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاران ارجمندشان و نیز از جناب آقای دکتر صحرایی، وزیر محترم آموزش و پرورش و ملی بر ثبات و قدرت و ارجمند انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که این مجلس به همت ایشان بنا شده و مسئولان محترم تالار وحدت که میزبان این جمع‌اند، تشکر کنم.
جا دارد در این محضر شریف به روان پاک پدرم که سرشتی فرهنگی داشت و به‌ادی و جوانمردی مشهور بود، درود بفرستم و از مادر عزیزم که در این مجلس حضور دارد و از کودکی تا امروز دست مرا گرفته، به سبب همه جدّ و جدّه‌های من و چهدی که در تربیت دینی و اخلاقی و علمی من داشته، سپاسگزاری کنم. باید از همسر دانشمند و ارجمندم، خانم دکتر طیبیه ماهرزاده که ۵۲سال است شریک زندگی من است و از فرزندان و

سرویس سیاسی ۶۰۸۸۵۲۳۰۶



نکوداشت ادیب و فیلسوفی که به سیاست رو آورد

# حدادعادل: اهل هنر باید سیاست را فرهنگی کنند

**در این مراسم دکتر غلامعلی حدادعادل در سخنانی به رابطه ایران، اسلام و تمدن غربی پرداخت**

زبان را پاسداری از هویت ایرانی می‌شناسم. در هوای پاک و دلپذیر زبان فارسی نفس می‌کشم و زندگی می‌کنم. با این زبان زنده مانده‌ام و زنده می‌مانم. اما ایران اسلامی، علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، مظاهر و نشانه‌های دیگری نیز دارد که می‌باید از همه آنها پاسداری کرد. ایران هنر و حکمت و علم و عرفان دارد و سنت‌های دوست‌داشتنی بسیار و جغرافیایی دلپذیر کرده‌اند و همکارانی که در مؤسسات مختلف در کنار من بوده‌اند نیز بر من فرض است.

**سروان گرامی، دوستان عزیز**

فرستی را که به دستم افتاده غنیمت می‌شمارم و با تقدیم چنده کتد درس پس می‌دهم و از جسارتی که می‌ورزم بوزش می‌طلبم.

۱- من در زمان زمامنه‌ای که در دنیا آمده‌ام که در کشورم سه فرهنگ ایرانی و اسلامی و غربی در آن همزمان با یکدیگر در تعارض و تعامل بوده‌اند. بسیاری از تحولات اجتماعی و حوادث سیاسی ۱۰۰ سال اخیر را می‌توان بر بنید تأثیر این سه فرهنگ دانست و بر حسب میزان تعارض و تعامل آنها و سهم کمتر یا برتر هر یک از این سه عامل، تبیین و تحلیل کرد. شخصیت افراد نیز بسته به اینکه تا چه حد تحت تأثیر یک یا دو یا هر سه فرهنگ بوده‌اند، قابل فرصت‌ورزایی است. پرسش مهمی که می‌توان طرح کرد این است که نسبت این سه فرهنگ با یکدیگر چیست و آیا می‌توان میان آنها به نوعی تعادل و توازن منطقی و سازنده دست یافت؟

من می‌خواهم پاسخ خود را به این سؤال بیان کنم. از نظر من، می‌توان میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی آشتی و سازگاری پایداری ایجاد کرد. می‌توان به ایران «علاقه» و به اسلام «عقیده» داشت. نگاه من به اسلام نگاه عقلانی است. در اسلام عقل و معرفت محور است و عقلانیت حاکم است. این مهم‌ترین درسی است که از استاد شهیدم مطهری آموختم‌ام و بدان باور دارم. می‌توان به ایران عشق ورزید و مسلمان بود. هم‌زیستی اسلام و ایران تجربه تاریخی ملت ماست. ما، هزاروپانصدسالوندی‌سال پیش، اسلام را پذیرفتیم، اما ایرانی ماندیم، زبان غربی آموختم، اما زبان فارسی را حفظ کردیم و نوروز را که رسمی کهن بود، حفظ کردیم و قرآن را در سفره هفت‌سین در کنار سبزه‌های روییده از خاک وطن نهادیم. با اعتقاد ما به خدا و عشق به میهن عزیزمان ایران، در دل و جان‌مان، آرامش و اطمینان پدید می‌آید و با هم‌افزایی انگیزه‌های دینی و ملی بر ثبات و قدرت و شوکت ملت‌مان افزوده می‌شود. در طول تاریخ، هر گاه فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی هم‌افزایی داشته‌اند، کشور ما پیشرفت و پایداری داشته و هر گاه این دو از هم جدا شده‌اند، به تفرقه و ضعف گرفتار شده‌ایم. من عشق و علاقه به زبان و ادبیات فارسی را از بزرزترین نشانه‌های ایران‌دوستی می‌دانم و پاسداری از این

زبان را پاسداری از هویت ایرانی می‌شناسم. در هوای پاک و دلپذیر زبان فارسی نفس می‌کشم و زندگی می‌کنم. با این زبان زنده مانده‌ام و زنده می‌مانم. اما ایران اسلامی، علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، مظاهر و نشانه‌های دیگری نیز دارد که می‌باید از همه آنها پاسداری کرد. ایران هنر و حکمت و علم و عرفان دارد و سنت‌های دوست‌داشتنی بسیار و جغرافیایی دلپذیر کرده‌اند و همکارانی که در مؤسسات مختلف در کنار من بوده‌اند نیز بر من فرض است.

۲- اینجا می‌خواهم به سؤال دیگری که در سال‌های اخیر دوستانم مکرر از من پرسیده‌اند نیز پاسخ دهم که این است که چرا وارد عالم سیاست شده‌ام. مگر بهشت تری گل و ریحان پژوهش در فلسفه و هنر و ادبیات و عالم ایران‌دوستی و ایران‌شناسی چه عیبی داشت تا من از آن به دنیای پرغوغای سیاست هبوط کنم تا مانند مولانا بگویم:

زاهد بودم ترانه گویم کردی
سر حلقه بزم و یاده‌جویم کردی
سجاده‌نشین باوقاری بومد
بازپس خود کودکان گویم کردی
پنج‌شنبه من به این دوست‌های من است که: عزیزان من! اگر در کشور ما سیاست بر پایه درستی استوار نباشد، دین و ندای مردم نیز استوار نخواهد ماند. سیاست مانند داربستی است که اهل فرهنگ و هنر بر بالای باطنی، روحی دارد و جسمی. باید بگوئیم باطن و روح داربست از پای‌بست ویران شود، همه چیز و همه کس فرو می‌ریزد. من هر گاه در استواری پایه‌های داربست سیاست احساس تزلزل کرده‌ام، ترجیح داده‌ام از بالای آن داربست یعنی از جمع اهل درس و بحث و فرهنگ و هنر به پایین آیم و در مفاک تیره و تاریک سیاست به تحکیم آن پایه‌ها بپردازم.

البته ورود به عالم سیاست، هزینه دارد، نتوان دارد و من با علم به این معنی، آگاهانه پای بدین عرصه نهاده‌ام و هزینه آن را هم پرداخته‌ام و به قول حافظ:

درین وادی به بانگ سیل بشنو
که صد من خون مظلومان به یک جو
پر جربیل را اینجا بسوزند
بدان تا کودکان آتش فروزند
تعالی‌الله چه استغناست اینجا
سخن گفتن که را پاراست اینجا
باز هم به قول حافظ:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافر یست رنجیدن
باری، اگر سیاستمداران بلغزند، همه می‌لغزند و اگر در دفاع از مردم و میهن ثبات قدم و بصیرت داشته باشند، کشور پیشرفت خواهد کرد. اهل فرهنگ به‌جای آنکه از سیاست دوری کنند، باید با ورود به عرصه سیاست از فرهنگ‌ی کنند و از خشونت و بی‌اخلاقی آن کاندید و تلفیق‌ش کنند. من اطمینان دارم اگر سیاستمداران ما بیشتر کتاب بخوانند و اهل قلم باشند و دستی در ترجمه داشته باشندند و از تاریخ و فرهنگ و هنر ایران

و جهان آگاهی بیشتری داشته باشند، فضای سیاسی کشور ما سامان بهتری پیدا خواهد کرد.

۳- قریب به ۶۰ سال است که من در دانشگاه و وزارتخانه‌ها و فرهنگستان و جاهای دیگر کار می‌کنم. یکی از تجربه‌هایی که در این سال‌های طولانی آموخته و اندوخته‌ام، این است که کشور ما بیش از هر چیز به مدیران توانا نیازمند است. مشکل اصلی کشور ما کمبود منابع نیست، کمبود مدیر است. اگر همه چیز در اختیار داشته باشیم، اما مدیریت نداشته باشیم، انگار که هیچ چیز نداریم، اما اگر مدیریت داشته باشیم، فقط به ذکر امال اکتفا نکنیم، می‌توانیم به همه چیز دست پیدا کنیم. اگر می‌خواهیم در امال «اعمال» مبدل کنیم، باید مدیریت کنیم. مدیریت پلی است که امال را به اعمال متصل می‌کند.

کمبود مدیر در همه بخش‌های کشور ما محسوس است، اما کمبود مدیر فرهنگی از همه محسوس‌تر است. ما را آموزش و پرورش و دانشگاه و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فرهنگستان‌ها و نهادهای مشابه دیگر، بیش از هر چیز، از کمبود مدیر فرهنگی رنج می‌بریم. بسیار دیدهام دانشمندانی را که علاقه دارند سال‌های سال به‌دور از هر گونه مسئولیت و مدیریتی در دفتر کار خود تنها بمانند و بخوانند و بنویسند، اما مدیریت نکنند. من ترجیح می‌دهم ۱۰۰ اتن از این گونه دانشمندان را با یک مدیر لایق علمی و فرهنگی معاوضه کنم و مطمئن هستم که ضرر نخواهم کرد. توصیه من به معلمان و مدیران مدارس این است که دانش آموزان را چنان تربیت کنند که آنها بتوانند در آینده مدیران لایق کشور شوند.

۴- سخن دیگر من در باب آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش را مهم‌ترین نهاد اجتماعی در قوام و دوام یک ملت می‌دانم. هیچ کشور و هیچ ملتی سرباز نداریم که بدون پیشرفت در آموزش و پرورش پیشرفت واقعی کرده باشند. بهترین خدمتی که هر حکومتی می‌تواند به ملت خود بکند این است که با آموزش و پرورش به فرزندان آن ملت فرصت برابر برای ترقی و رشد عطا کند. مفیدترین آموزشی که معلمان می‌توانند به دانش آموزان هدیه کنند، آموختن تفکر است. اگر ما فکر کردن را به آنها بیاموزیم و لذت تفکر را به آنها بچسانیم، بزرگ‌ترین خدمت را به آنها و به ملت خود کرده‌ایم. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش در برزابه‌ای است، اما پرسود است. بزرگ‌ترین و بهترین سرمایه‌های ما در جهان، انسان‌های علتن است بوده که با بسیاری از کارها این است که آن کارها را به‌دست کسانی سپرده‌ایم که کفایت ندارند. هر وقت و هر جا که فرد لایقی داشته‌ییم و کاری بد سپرده‌ایم، موفق شده‌ایم و هر جا موفق نشده‌ایم، علتش آن بوده که با فرد لایقی برای آن کار تربیت نکرده بوده‌ایم یا از استفاده نکرده‌ایم. آموزش و پرورش کارخانه تولید شهروندان شایسته و کارآمد است.

برای هیچ‌چنین اعتقادی، من همیشه معلم بوده‌ام و امروز هم که پای به ۸۰سالگی نهاده‌ام، افتخارم این است که معلم هستم و در مدرسه‌های فرهنگ درس می‌دهم. خدا را شکر می‌کنم که به ما توفیق عنایت کرده تا علاوه بر چند مدرسه‌ای که در تهران آنجا ۲۲مدرسه هم در محروم‌ترین نقاط بلوچستان داشته باشیم. نعمت می‌دانیم و قدردان این نعمت هستیم. احساس من این است که همه فرزندان ایران زمین فرزند من هستند. اعضای خانواده‌ما، از پیر و جوان یا معلم‌اند یا محصل و ما بنا داریم مال و جان و عمر خود را صرف تربیت مردان و زنانی شایسته برای ایران آینده کنیم.

در پایان، مایل‌م فراترانه توصیه‌ای به جوانان کشور داشته باشم.

۵- من مخصوصاً از جوانان کشور تقاضا می‌کنم درس بخوانند و عالم بشوند. کشور ما به افراد دانشمند و صاحب‌نظر در انواع موضوعات احتیاج دارد. به دانش آموزان و دانشجویان عزیز توصیه می‌کنم «درس بخوانند» را جدی بگیرند و به معلمان و استادان توصیه می‌کنم «درس دادن» را از انسان می‌خواهم که کتاب بخوانند و با خواندن کتاب به ذهن و ذوق خود قوت و نشاط بخشند. از جوانان می‌خواهم به‌ه خواندن پیامک‌های دوسطری در فضای مجازی اکتفا نکنند و مخصوصاً از خوانندگن کتاب‌های تاریخ و بلاخص کتاب‌های تاریخ معاصر ایران غفلت نوزند. هر ایرانی‌ای که تاریخ معاصر ایران را بخواند و دریابد که تالاقی حاکمان و دشمنی بیگانگان چه بر سر این ملت آورده است، عزم و ارادتمش برای خدمت به کشورش بیشتر و دل‌بستگی‌اش افزون‌تر خواهد شد. بیگانگان می‌خواهند ما را تاریخ معاصر ایران بی‌خبر باشیم تا آنها بتوانند دوباره تاریخ را تکرار کنند. در جوانان عزیز میهنم عرض می‌کنم تاریخ بخوانید تا در درس تاریخ تجدید نشوید.

سرنجام‌بار دیگر از همگان، یعنی همه دعوت‌کنندگان و دعوت‌شدگان سپاسگزاری می‌کنم. هر دو گروه بر بنده منت نهاده‌اند. احساسم را نسبت به ایران عزیز از زبان حافظ عرض می‌کنم که:

من جرعه‌نوش بزم تو بودم هزار سال
کی ترک آبخورد کند طبع خوگرم
ور باورت نمی‌شود از بنده این حدیث
از گفته کمال دلیلی بیابوم
گر بر کنم دل از تو و بپردازم از تو مهر
آن مهر بر که افتاقم؟ آن دل کجا برم؟

و نهایتاً اینکه:

چگونه سر سبز خجالت آورم بزم دوست
که طاعتی به‌سزا بر نیامد از دستم
از خداوند کرم عاجزانه می‌خواهم که از قصور و تقصیر من در مسئولیت‌هایی که بر عهده داشته‌و دارم درگذرد و توفیق ادامه خدمت به مردم عزیز، به‌ویژه به جوانان کشورم را از من سلب نکند.